


نسیم جنوب
www nasimjonoub COM
سال بیست و ششم - شماره ۱۰۶۰
یکشنبه ۷ آبان ۱۴۰۲ ۸ صفحه - ۵۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)


نکوداشت روز نوجوان

# نوجوانان و چالش انتخاب آینده

حسین زیرراهی

## نکوداشت روز نوجوان



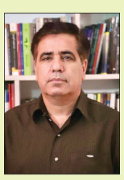
### سلامت روان در دوران نوجوانی

دکتر معصومه حیاتی



### بخشی از نیازهای روانی نوجوانان

فریبا بوذرجمهری



### تأثیر دوستان و اطرافیان در دوره نوجوانی

دکتر یونس قیصی‌زاده



### نوجوانان را درک کنید

ریحانه عظیمی



### خیلی از اولین‌های زندگی را در نوجوانی تجربه می‌کنیم

پارمیدا منصوری



## پیشکسوت موسیقی جنوب ایران درگذشت

درباره موسیقی نواحی که احمد علی‌شرفی یکی از اسطوره‌های خود را از دست داد

### آوای مظلومیت

نرگس کیانی

در سوگ احمد علی شرفی پیشکسوت موسیقی جنوب ایران

### عندلیبان را چه شد!؟

حسام حق پرست

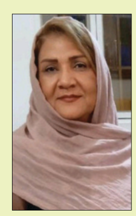


### زندانی شدن حسین رویین، فعال سیاسی در دشتستان



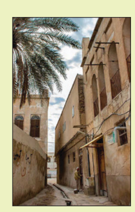
### «روبوتراپی»، رقیبی برای روان‌درمانگران و مشاوران؟!

دکتر آیدا چوبساز



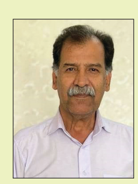
### آیا ایرانیان از سایر ملل با هوش ترند؟

زیبا راستیان



### پیاده در کوچه خاطرات بوشهر

سیروس شیبو



### خاطره شَرْرُو بازی و فالوده حیدرک

ابراهیم بشکانی

## واریز بیش از ۵۱ هزار میلیارد ریال اعتبار به شهرداری‌ها و دهیاری‌های بوشهر

مدیرکل امور مالیاتی استان بوشهر گفت: ۵۱ هزار میلیارد و ۷۸۰ میلیون ریال در ۲ سال گذشته از محل اعتبارات ارزش افزوده به حساب شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و روستاهای فاقد دهیاری این استان واریز شده است.

به گزارش ایرنا، محمدجواد رستمی در گفت‌وگو با خبرنگاران در بوشهر اظهار کرد: از این میزان اعتبار، ۳۰ هزار میلیارد ریال در سال گذشته و مابقی طی ۶ ماه نخست امسال واریز شده است.

وی افزود: این میزان اعتبار صرف فعالیت‌های عمرانی، ارتقای مبلمان شهری، بهسازی روستایی و تکمیل زیرساخت‌ها می شود.

مدیرکل امور مالیاتی استان بوشهر تصریح کرد: از اعتبار ۲۱ هزار میلیارد و ۷۸۰ میلیون ریالی واریزی سال جاری، ۱۵ هزار میلیارد و ۹۲۰ میلیون ریال به حساب ۴۰ شهرداری استان و ۵۸ هزار میلیارد و ۶۰۰ میلیون ریال به حساب دهیاری‌ها و روستاهای فاقد دهیاری واریز شده است.

رستمی ادامه داد: امسال تعهد دریافت مالیات برای استان بوشهر، ۱۳۰ هزار میلیارد ریال تعیین شده که نسبت به سال گذشته، ۱۷ درصد رشد دارد. در سال گذشته، مالیات مستقیم اخذ شده در استان بوشهر، ۳۰ هزار میلیارد ریال و مالیات بر ارزش افزوده و عوارض وصول شده ۸۵ هزار میلیارد ریال بود.

مدیرکل امور مالیاتی استان بوشهر بیان کرد: همچنین در سال گذشته با این ۱۱۵ هزار میلیارد ریال مالیات اخذ شده نسبت به سال ۱۴۰۰، رشد ۳۰ درصدی در دریافت مالیات داشتیم.

رستمی بیان کرد: از سال ۱۳۹۷ تا پایان سال ۱۴۰۱ به ترتیب در هر سال ۱۴، ۴۲، ۴۱، ۵۱ و ۴۳ درصد اخذ مالیات در استان بوشهر رشد داشت.

## ۴هزار تن خرما از سال گذشته در سردخانه‌های استان بوشهر مانده است




مسوول صنف سردخانه داران شهرستان دشتستان گفت: از مجموع ۱۰۰ هزار تن خرمای سال گذشته موجود در سردخانه های استان و همچنین برداشت محصول جدید، هنوز چهار هزار تن آن در سردخانه‌ها مانده است.

هادی ضیا در گفت و گو با ایرنا افزود: تا زمان برداشت خرمای سال زراعی جاری در مجموع ۶ هزار تن خرمای پارسال در دشتستان فروش نرفته بود که ۲ هزار تن آن با قیمت های پایین توسط نخلداران فروخته شد.

وی افزود: هرچند در سفر رئیس تعاون روستایی کشور به دشتستان در شهریور ماه امسال مقرر شد که به مدت ۲ هفته خرمای مانده پارسال توسط تعاون روستایی خریداری و صادر شود اما با گذشت بیش از ۴۰ روز کماکان چهار هزار تن خرما تعیین تکلیف نشده است.

ضیا یادآورشد: پس از این‌که تعاون روستایی از خریداری خرما خودداری کرد اعلام شد تعیین تکلیف این موضوع از طریق ۲ مباشر برای خرید و صادرات خرمای پارسال نخلداران دشتستان فراهم می شود اما مباشر بدلیل اینکه نتوانست بازاریابی لازم را انجام دهد این امر نیز منتفی شد .

مسوول صنف سردخانه داران شهرستان دشتستان ادامه داد: در نهایت مقرر شد از طریق پرداخت ۴۰۰ میلیارد ریال تسهیلات کم بهره به پنج شرکت بسته بندی خرما در استان مقدار خرمای مانده از پارسال خریداری شود.

ضیا گفت: روند پرداخت تسهیلات مستلزم این است که نخلدار با مراجعه به جهاد کشاورزی و دریافت معرفی نامه مقدار خرمای مانده در سردخانه را به تعاون روستایی اعلام کند و پس از فروش، پول خرما مستقیم به حساب نخلدار واریز شود. قیمت تعیین شده برای خرید خرمای پارسال بستگی به کیفیت خرما بین هشت هزار تا ۲۰۰ هزار ریال برای هر کیلوگرم است که اکثر خرماها بین ۱۲۰ تا۱۴۰هزار ریال قیمت گذاری می شود.

مسوول صنف سردخانه داران شهرستان دشتستان گفت: برای این منظور بانك كشاورزی به عنوان بانك عامل معرفی شده است اما به دلیل کندی روند اداری تاکنون هیچ گونه تسهیلاتی پرداخت نشده است و مقدار چهار هزار تن خرما کماکان روی دست نخلداران مانده است.

## طرح اصلاح ماده ۵ بیمه کارگران ساختمانی در استان بوشهر اجرایی شد




محمد جواد بازدرهوا مدیر کل تامین اجتماعی استان بوشهر از ابلاغ اجرایی قانون اصلاح ماده ۵ قانون بیمه های اجتماعی کارگران ساختمانی خبر داد.

اصلاح ماده پنج قانون بیمه کارگران ساختمانی سازمان تأمین اجتماعی مکلف شده با دریافت هفت درصد کسر حق بیمه از کارگران دارای پروانه مهارت فنی شاغل مستقیم به‌عنوان سهم کارگر و معادل ۲۵ درصد مجموع عوارض صدور پروانه ایجاد یا توسعه، احداث و یا افزایش تراکم ساختمان و تخریب و نوسازی بنا و تعمیرات اساسی به‌عنوان سهم مالك، کارگران را بیمه کند.

مدیرکل تأمین اجتماعی استان بوشهر بیان کرد: بر این اساس برای ساخت‌وساز در داخل محدوده روستاها با مجوز دهیاری‌ها، معادل ۱۰ درصد مجموع عوارض صدور پروانه به‌عنوان سهم مالك خواهد بود.

وی تصریح کرد: متقاضیان صدور و تمدید پروانه‌های ساختمانی می‌توانند با مراجعه به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و دریافت نامه به تأمین اجتماعی مراجعه و مبلغ بیمه مربوطه را با نرخ جدید پرداخت کنند.

مدیرکل تأمین اجتماعی استان بوشهر گفت: همچنین با هدف کاهش مراجعات غیر ضرور سقف پرداخت حق بیمه کار فرما از طریق بانك‌ها برداشته شده تا بتوانند پرداخت‌های خود را به صورت غیرحضوری انجام دهند.

بازدرهوا افزود: یکی از دستاوردهای مهم سازمان تأمین اجتماعی الکترونیکی کردن روند ارائه خدمات است که این مهم در استان بوشهر بسیاری از مراجعات غیرضروری به شعب و کارگزاری‌ها حذف کرده است.

## نابودی تدریجی فوتبال بوشهر و شور و نشاطی که از استان رخت بست

بوشهری‌ها ارتباطی تنگاتنگ و وصف‌ناپذیر با رشته پرطرفدار فوتبال دارند که تداوم روند نزولی و رو به اضمحلال این رشته پرطرفدار در طی چند مدت اخیر به قیمت رخت بربستن شور و نشاط ساحل‌نشینان بوشهری خلیج فارس برای این رشته ورزشی شده است.

به گزارش خبرنگار ایرنا، در روزهای طلایی و نه چندان دور فوتبال استان در اواخر دهه هشتاد و اوائل دهه نود که «شاهین بوشهر» و «پارس جنوبی جم» در آسمان «لیگ برتر» تیزپروازی داشتند و ایرانجوان یکی از مدعیان پر و پا قرص سودای صعود از «لیگ یک» به «لیگ برتر» در سر داشت، شور و نشاطی وصف نشدنی در استان بوشهر موج می‌زد تا جایی که همزمان با درخشش فوتبال بسیاری از آمارهای رسمی نیز حکایت از کاهش چشمگیر آسیب های اجتماعی در سایه شادابی و روحیه مضاعف بندرنشینان بوشهری داشت.

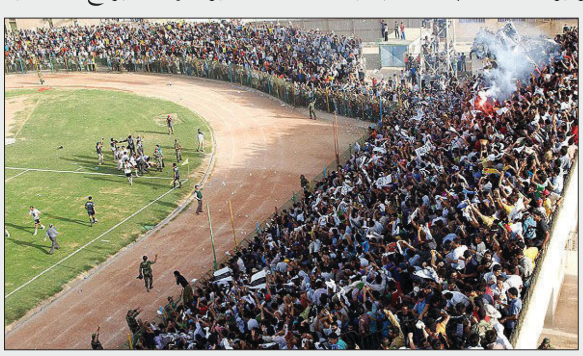
اما روزهای روشن در سایه بی‌تدبیری‌ها و نبود درکی راهبردی از مقوله تفریح سالم جوانان زیاد به طول نکشید و فوتبال ناب و سراسر استعداد استان بوشهر پس از تغییراتی در بدنه اجرایی روند نزولی خود را با شیبی تند در پیش گرفت تا تیم‌های پرطرفدار استان بوشهر، این روزها در آستانه نابودی و فروپاشی قرار گیرند.

در فصل گذشته و در سالی که بوی سقوط شاهین به لیگ دسته سه نیز به مشام می رسید با همت و تلاش جوانانی گمنام اما جویای نام و در نبود حمایت مالی مناسب به طور معجزه آسایی شاهینی‌ها در لیگ دو ماندگار شدند.

در حالی که امید می رفت امسال تیم با ساماندهی شایسته تری پا به رقابت‌های امسال بگذارد با جدا شدن مهره‌های کلیدی و با تجربه هنوز عرصه بر این تیم تنگ وتنگ تر شد و در پیدا نشدن حامی مالی تنها با هدف حفظ سهیمه پا به رقابت‌ها گذاشت.

با این وضعیت تیم بدون حامی شاهین همچنان آبستن حوادث زیادی خواهد بود و باید دید جدای از نتیجه موفق به تامین هزینه و حضور در تمامی بازی ها خواهد شد یا خیر؟

از طرفی دیگر ایرانجوان بوشهر نیز که املاك چند صد میلیاردی در تملك دارد با وجود گره های بازنشدنی مدیریتی همچنان در حسرت یك سازماندهی مناسب و گشوده شدن قفل های چند ۱۰ سال است. البته خبرهایی نیز از گوشه و کنار رسیده که برخی از طلبکاران تیم در صدد گرفتن حکم فروش بخشی از زمین های در تملك برای رسیدن به طلب خود هستند که شاید این فروش متولیان تیم را از خوابی چندین ساله بیدار کند و کمر همت به احیاء تیم ببندند.



پارس جنوبی جم که طی سه سال پیاپی از لیگ دسته سه به لیگ برتر صعود کرد و توانست در سال اول حضور در این لیگ رتبه پنجم کشور را کسب کند نیز روندی نزولی و افتادن در رده های پایین را تجربه کرد تا آن‌ها نیز در تبعیض فاحش نگاه وزارت نفت به حمایت از تیم های فوتبالی لیگ برتر گرفتار شوند.

در کنار شرایط نابسامان مدیریتی هر سه باشگاه مورد اشاره قرار گرفته، متولیان فوتبال استان بوشهر نیز دچار روزمرگی شده و نتوانستند در خور بوشهر از این تیم ها در سطح کشور حمایت کنند.

با وضعیت کنونی چشم انداز فوتبال بوشهر، ناکامی پارس جنوبی جم در لیگ آزادگان، سقوط شاهین به لیگ سه و ماندن ایرانجوان در برزخ ادامه و یا انصراف از حضور در لیگ دسته سه است.

حسرت بزرگ نبود بوشهری ها در لیگ برتری که بنام خلیج فارس نام نهاده شده آن‌جا بیشتر خودش را نشان می‌دهد که هیچکدام از ساحل‌نشینان خلیج فارس خود در آن جایی ندارند.

با وجود این که فوتبال در بوشهر نفس های آخرش را می کشد ولی وقتی تیم ملی فوتبال در برخی از دیدارها سه بازیکن بوشهری را در ترکیب اصلی خود می بیند حسرت و درد سقوط‌های سریالی تیم های بوشهری بیش ازهر زمانی ساحل نشینان را آزار می دهد که با اتمام سن بازی این بازیکنان، جایگزینی در تیم ملی کشورمان ندارند.

در استان فوتبال خیزی مانند بوشهر به گواه بسیار از کارشناسان برجسته فوتبال حضور یک تیم استان در لیگ برتر حداقل خواسته و انتظار است اما با این وجود فوتبال در لبه پرتگاه نیز حامی و پشتیبانی ندارد.

در حالی قانون دستگاه دولتی از کمک به فوتبال حرفه ای منع کرده که بسیاری از استان ها توانستند با داشتن چنین شرایط مشابهی، تیمی با اسپانسرهای مالی قوی روانه لیگ برتر و جام باشگاه های آسیا کنند. با این حال اکنون کعبه آمال فوتبال بوشهر تنها حضوری آبرومندانه در لیگ های دو و سه و با ترکیب کامل و ۱۱ نفره است.

نیاز است در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی توسط صنایع به ویژه صنعت نفت، گاز و پتروشیمی، از تیم‌های مختلف ورزشی به خصوص ورزش فوتبال آن هم در بخش حرفه‌ای و قهرمانی حمایت ویژه ای انجام شود.

اگر صنایع و به خصوص صنایع نفتی، گازی و پتروشیمی در استان بوشهر به کمک فوتبال بیایند همچنان که در سایر استان‌ها نه برای یک تیم که حتی برای چند تیم به میدان آمده، کمک‌کننده مناسبی برای پوشش ضعف بنیه مالی تیم‌های ورزشی استان بوشهر خواهند بود که با وجود داشتن بایکنان مستعد، در گرداب بی‌پولی گیر افتاده‌اند. به نظر می‌رسد اگر پاشنه مدیریت فوتبال استان بوشهر بر همین لولا بچرخد در آینده‌ای بسیار نزدیک شاید در لیگ دسته سه نیز این استان فاقد تیم باشد و باید مسئولان ذیربط بدانند که برای احیاء تیم ها و بازگشت شور و نشاط دوباره به مردم این خطه، فردا خیلی دیر است پس اگر می توانید و کننده کار هستید از همین امروز به فکر باشید.

درباره موسیقی نواحی که احمد علی‌شرفی یکی از اسطوره‌های خود را از دست داد

# آوای مظلومیت

نرگس کیانی



این که به‌رغم «اسطوره، دُردانه و هنرمندی بزرگ» خواندن‌تان، عموم مردم تنها زمانی نام‌تان را بشنوند که درگذشته‌اید، غم‌بار است و حسرت‌برانگیز. اتفاقی که برای اهالی موسیقی نواحی در ایران کم رخ نداده و بارها و بارها پیش آمده که در اخبار خوانده‌ایم، اسطوره‌ای در گوشه‌ای از ایران درگذشته است؛ اسطوره‌هایی که در زمان حیات هیچ‌گاه در حد و اندازه‌ی هنرشان نه قدر دیده‌اند، نه بر صدر نشسته‌اند. روز یکشنبه، ۳۰مهرماه نوبت یکی از دُردانه‌های موسیقی نواحی بوشهر، احمد علی‌شرفی، نوازنده نی‌انبان و نی‌جفتی بود که بر اثر سکته قلبی در ۸۳سالگی درگذشت. هنرمندی که حماسه حق‌پرست، رئیس انجمن موسیقی بوشهر در گفت‌وگو با مهر، از هم‌دوره بودنش با بزرگانی ازجمله حاج‌قربان سلیمانی و عثمان محمدپرست گفت و یکی از مهم‌ترین راویان قدیمی موسیقی بوشهر نامیدش. هنرمندی که در نوازندگی نی‌انبان و نی‌جفتی، یکه بود و بسیاری از پژوهشگران موسیقی کشورمان از جمله محمدتقی مسعودیه و محمدرضا درویشی از آثارش به‌عنوان منابع پژوهشی استفاده می‌کردند اما ذکر همه‌ی این‌ها مانند اتفاقی که برای بسیاری دیگر از اهالی موسیقی نواحی رخ می‌دهد، پس از درگذشت‌اش بود، نه هنگام در قید حیات بودنش.

### فقدان یک راوی مستند، موثق و ارزشمند

ازجمله اجراهای داخلی احمد علی‌شرفی می‌توان به حضور او در دومین جشنواره موسیقی نواحی «آینه‌دار» با تمرکز بر موسیقی سواحل شمالی خلیج‌فارس در سال ۱۳۹۴ اشاره کرد. جشنواره‌ای که از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ - با یک دوره فاصله در سال ۱۳۹۳ و پس از آن به‌صورت پیوسته- به دبیری هنری علی مغازه‌ای، مولف، محقق و پژوهشگر موسیقی نواحی برگزار شد. مغازه‌ای در گفت‌وگو با «هم‌میهن» در مورد علی‌شرفی می‌گوید: «احمد علی‌شرفی را می‌توان یکی از وزنه‌های موسیقی اقوام در بوشهر دانست که هم نی‌انبان، هم نی‌جفتی می‌زد. او خوشبختانه صاحب فرزندانی اهل موسیقی بود؛ فرزندانی که احتمالاً می‌توانند فقدان پدر را تا حدی جبران کنند. علی‌شرفی معمولاً به صورت خانوادگی کار می‌کرد و به‌عنوان مثال در دومین دوره از جشنواره موسیقی نواحی «آینه‌دار» در سال ۱۳۹۴ نیز به همین شکل و با حضور فرزندان و برادرزاده‌هایش در جشنواره شرکت کرد. او هم بر رپرتوار موسیقی شادیانه‌های جنوب ایران و بوشهر، هم بر موسیقی مذهبی و سنج و دمام مسلط بود. این تسلط به حدی بود که همواره می‌شد به علی‌شرفی ارجاع داد و از اطلاعاتش استفاده کرد و برای همین مورد توجه پژوهشگرانی ازجمله محمدرضا درویشی و محسن شریفیان قرار داشت. علی‌شرفی را می‌شد حافظه شنیداری موسیقی به ارث رسیده از قدما به او دانست. حافظه‌ای که قرار بود به نسل بعد منتقل شود هرچند متاسفانه تغییر سبک زندگی موجب شده است برخی گونه‌ها، دسته‌ها و کیفیت‌هایی از موسیقی نواحی ایران فراموش شوند. امثال علی‌شرفی کسانی‌اند که با از دست رفتن‌شان حتی اگر برای از دست رفتن موسیقی نواحی فریاد واأسفا سر ندهیم، کیفیتی از اجرا را ارائه می‌دادند که به کیفیت کار گذشتگان نزدیک بود. خوشبختانه در حال حاضر فعالان بسیاری در حوزه‌ی موسیقی نواحی بوشهر فعالیت می‌کنند اما ارائه‌ی برخی از آن‌ها به ارائه‌ی موسیقی پاپ به معنای عامه‌پسند نزدیک شده است و امثال علی‌شرفی بودند که همواره می‌توانستیم برای اطلاع از کیفیت اجرای گذشتگان و دریافت اطلاعات به آن‌ها رجوع کنیم.»

### منبعی مطلع در مورد موسیقی بوشهر

در مورد علی‌شرفی گفته می‌شود که در نوازندگی نی‌انبان و نی‌جفتی، یکی از مهم‌ترین راویان موسیقی بود. از مغازه‌ای می‌پرسیم این عبارت به چه معناست و او توضیح می‌دهد: «واقعیت این است که همه‌ی ما، همه‌ی کسانی که در حوزه‌ی موسیقی نواحی فعالند، هرچه سن یک خنیاگر، یک هنرمند بالاتر باشد کارش را بیشتر نزدیک به اصل می‌پنداریم و با این تعبیر به‌نوعی ارزش‌گذاری کرده و دیگران را ذیل سپهری که در حال تعریفش هستیم قرار می‌دهیم. این عبارت تقریباً در همه‌ی مناطق توسط موسیقی‌شناسان نواحی به کار برده می‌شود هرچند می‌توان عبارتی همراه با پیش‌داوری نامیدش و اذعان کرد که تعریف دقیقی از آن وجود ندارد و کاربردش بیشتر حرمت گذاشتن به جایگاه فرد است. به نظر من در تعریفی جامع‌تر و کامل‌تر در مورد این افراد، باید به نقش موثر و فراگیرشان در میان مردم منطقه اشاره کرد، نقشی که با درآمیختگی، در جشن، شادی و عزای مردم ایفا می‌کردند و به عنوان مثال در مورد علی‌شرفی می‌توان از حشر و نشر او با شروه‌خوانان نام برد و برای همین می‌توانستیم به عنوان منبعی مطلع در مورد موسیقی بوشهر به او استناد کنیم. او به این دلیل که از گذشتگانش آموخته بود، خلط و خطایی در کارش نداشت و اگر هم ممکن بود داشته باشد، بسیار اندک بود و به این معنا می‌توانستیم راوی مستند، موثق و ارزشمندی بدانیم‌اش.»

### وضعیت ناگوار اهالی موسیقی نواحی

یکی از نقاط مشترک حرف‌های اهالی موسیقی نواحی در همه‌ی دوران‌ها، دشواری‌های پیش روی‌شان برای گذران زندگی از راه هنرشان بوده و هست و حرف‌شان این است که ساز و آوازشان اگرچه برای‌شان احترام به همراه دارد اما آورده مالی ندارد، به‌گونه‌ای که می‌توان وضع‌شان را با عبارت «ناگوار» توصیف کرد. عبارتی که علی مغازه‌ای چندان با آن موافق نیست و این ناگواری را - نه الزاماً به دلیل مشکلات اقتصادی که این‌روزها گریبان‌گیر همه‌مان است - که به علت برنامه‌ریزی‌های اتفاقی و براساس عنایت یا بی‌عنایتی مدیران به موضوع می‌داند. برنامه‌ریزی‌هایی که در آن‌ها به ظاهر، در کلام و به شکل شفاهی به هنرمندان موسیقی نواحی توجه می‌شود و در عمل به جشنواره‌های دولتی و تزریق چیزکی مُسَکن‌وار وابسته‌شان می‌کند.

مغازه‌ای در پاسخ به این مسئله می‌گوید: «تعبیر ناگوار، تعبیر مورد پسند من نیست چراکه معتقدم بخشی از علت اتفاقات مذکور، دگرگونی کارکردهای موسیقی نواحی در سال‌های اخیر بوده است. هرچند این تغییر کارکردها اتفاق تازه‌ای نیست و از دوران مدرن شدن جوامع شهری شروع شده، با شیبی ملایم بالا رفته و اکنون به اوج رسیده است. در مورد مشکلات اقتصادی به‌صراحت می‌توان گفت که وضع موجود، گریبان‌گیر همه ازجمله اهالی موسیقی نواحی است و مسلم است که باید به هنر موسیقی و هنرمندان آن توجه شود، توجهی که در مورد موسیقی نواحی باید با شدت و حدت بیشتری صورت گیرد. این توجه به معنای برنامه‌ریزی از طریق سازوکارهای صنفی است اما هنگامی که برنامه‌ها، اتفاقی و براساس عنایت یا بی‌عنایتی یک مدیر به موضوع طراحی می‌شوند، حاصلش می‌شود این‌که به هنرمندان حوزه موسیقی نواحی، به‌ظاهر، در کلام و به‌شکل شفاهی توجه می‌شود اما در عمل در هر برنامه‌ای به‌خصوص برنامه‌های دولتی و جشنواره‌های آن ازجمله جشنواره موسیقی فجر چیزی مُسَکن‌وار به آن‌ها تزریق می‌شود که اتفاقاً به جشنواره وابسته‌شان می‌کند.»

مغازه‌ای در پایان با اشاره به نکته‌ای که در ابتدای گفت‌وگو به آن اشاره کرده بود، می‌گوید: «در ابتدای صحبتم به تغییر سبک زندگی و تاثیر آن بر فراموشی برخی گونه‌ها، دسته‌ها و کیفیت‌هایی از موسیقی ایران اشاره کردم. واقعیت این است که محل ارائه هنر این افراد در روزگار قدیم، در عروسی‌ها و شب‌نشینی‌ها بوده است درحالی‌که اکنون هنرشان در عروسی‌ها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و جای خود را به موسیقی‌های ضبط‌شده‌ی پاپ و به‌گمان من، ناشنیدنی داده است و شب‌نشینی‌هایی مشابه شب‌نشینی‌های پیشین برچیده شده است. پس این افراد جایگاه ارائه‌ی هنر خود را از دست داده‌اند و اگر پیش از این می‌توانستند در قهوه‌خانه‌ها به ارائه‌ی هنر خود بپردازند به‌شکل مستدل می‌دانم که به‌صورت سیستماتیک موانعی برای این کار هم به وجود آمده و شهرهایی را می‌شناسم که قهوه‌خانه‌های‌شان پاتوق هنرمندان بوده و بسته شده است. در این وضعیت راه چاره‌ای برای این هنرمندان نمی‌ماند جز این‌که به عنوان مثال کارگر فصلی ساختمان شوند و گاه‌به‌گاه مانند کارگری روزمزد برای اجرایی به جایی بروند. این فاجعه است که یک هنرمند نداند محل اجرایش در شهر خود، در کشورش کجاست و کجا می‌تواند متقاضیان شنیدن آثارش را ملاقات کند. پس آن‌چه درنهایت به عنوان محل ارائه هنر این افراد باقی مانده، تعدادی جشنواره است که آن‌ها هم امروز در فاجعه‌بارترین وضعیت ممکن‌اند.»/ هم میهن

## پیشکسوت موسیقی جنوب ایران درگذشت

احمد علی شرفی پیشکسوت موسیقی جنوب ایران و نوازنده نی انبان و نی جفتی در ۸۰ سالگی درگذشت.

استاد احمد علی‌شرفی در نوزدهم مهر ۱۳۲۳ در بندر بوشهر متولد شد و از دوران نوجوانی فعالیت‌های هنری خود را آغاز کرد.

این هنرمند فقید یکی از اسطوره‌های موسیقی بوشهر بود که بیش از نیم قرن در نوازندگی سازهای نی‌انبان و نی جفتی فعالیت داشت و با سبک و سیاق نوازندگی خود شاگردان و هنرمندان بسیاری را پرورش و به جامعه هنری و موسیقایی معرفی نمود.

شادروان علی‌شرفی با حضور در جشنواره‌های ملی و بین‌المللی و درخشش در این رویدادها بارها مورد تقدیر و تشویق قرار گرفت.

به گزارش ایرنا، احمد علی‌شرفی پیشکسوت موسیقی جنوب ایران و مهمترین نوازنده سازهایی همچون نی انبان و نی جفتی به دلیل عارضه قلبی در ۸۰ سالگی درگذشت.

زنده‌یاد شرفی متولد بوشهر، از جمله چهره‌های سرشناس و پرآوازه موسیقی جنوب ایران بود که در بسیاری از جشنواره‌های ملی و بین‌المللی حضور داشت و بارها مورد تقدیر قرار گرفت.

این هنرمند فقید یکی از اسطوره‌های موسیقی بوشهر و در نوازندگی سازهای نی انبان و نی جفتی یکی از مهمترین راویان موسیقی مقامی بوشهر بود.

همچنین از شرفی به عنوان یکی از مهمترین راویان قدیمی موسیقی بوشهر یاد می‌کنند و بسیاری از پژوهشگران نامدار موسیقی کشورمان از جمله محمدتقی مسعودیه و محمدرضا درویشی از آثار این هنرمند به عنوان منابع پژوهشی بهره بردند.

پیکر این چهره برجسته موسیقی در بوشهر تشییع و به خاک سپرده شد.

محسن شریفیان خواننده، آهنگساز، نویسنده، پژوهشگر و نوازنده نی انبان و نی جفتی در صفحه شخصی خود در فضای مجازی با انتشار فیلمی از دمام زنی خود با گروه قبیله کولی‌های بندر و همراهی استاد شرفی در مراسم عزاداری از درگذشت استاد شرفی خبر داد و نوشت: «استاد احمد علی شرفی دار فانی را وداع گفت و من به شخصه در ساز نی انبان و نی جفتی هر چند غیر مستقیم ولی بسیار آموختم! تسلیت به این طایفه دوست داشتنی.

حماسه حق‌پرست رئیس انجمن موسیقی بوشهر گفت: «احمد علیشریفی» از مفاخر موسیقی جنوب کشور و استان بوشهر بود که پس از طی دوره ای بیماری به دلیل نارسایی قلبی در سن ۸۳ سالگی دار فانی را وداع گفت.

وی افزود: مرحوم «علی‌شرفی» در نوازندگی نی انبان، نی جفتی و همچنین روایت گری موسیقی جنوب و به خصوص موسیقی مقامی بوشهر استاد بود که در داخل و خارج کشور اجراهای خوبی برای معروفی «موسیقی مقامی» جنوب ایران داشته است.

رئیس انجمن موسیقی بوشهر تصریح کرد: این پیشکسوت بوشهری آثار خوب موسیقایی از خود به یادگار گذاشته است.

پیکر استاد موسیقی مقامی بوشهر استاد احمد علی‌شرفی عصر امروز بر روی دوش اصحاب فرهنگ و هنر در قطعه هنرمندان بهشت صادق(ع) بوشهر به خاک سپرده شد.

## سلامت روان در دوران نوجوانی

دکتر معصومه حیاتی



نوجوانی دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی است. در این دوره دگرگونی‌های جسمانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی کودک دیروز را به نوجوانی با ویژگی‌های متفاوت تبدیل می‌کند. او که در گذشته با اعضای خانواده ارتباط تنگاتنگی داشته‌است هم اکنون با همسالان نوجوان خود وقت بیشتری سپری کرده از قوانین و هنجارهای آن‌ها تبعیت می‌کند. در نوجوان‌ها استقلال طلبی، تلاش برای کسب هویت و شناخت‌های تازه‌ای که از خود، دیگران و دنیای اطراف کسب می‌کنند آن‌ها را به سمت تغییراتی در رفتار و سبک زندگی پیش می‌برد. زمانی که دوره نوجوانی با همکاری و ارتباط مناسب خانواده و جامعه به خوبی سپری شود نوجوان در دوره بزرگسالی زندگی سالمی را تجربه خواهد کرد در غیر این‌صورت با انبوهی از مشکلات پا به عرصه زندگی در بزرگسالی خواهد گذاشت.

نقش والدین و مربیان در سلامت روان نوجوانان بسیار حائز اهمیت است. آگاهی از ویژگی‌های دوران نوجوانی و برقراری ارتباط مناسب با آن‌ها زمینه را برای تصمیم‌گیری‌های آینده و هویت‌یابی موفق فراهم خواهد کرد. اگر چنان چه افراد مهم زندگی نتوانند دیدگاه مناسب را در نوجوان ایجاد کنند، ممکن است راه‌های ناهموار زندگی او را به بیراهه کشاند و از مسیر درست در جهت استعدادها و توانمندی‌هایش باز ماند.

همچنین خانواده به عنوان یک تکیه‌گاه همیشگی برای اعضای خود محسوب می‌شود. چنان چه پدر و مادر علایق فرزندان را در نظر بگیرند، همیشه انتظارات خود را به آن‌ها تحمیل نکنند، با احترام ارتباط برقرار کنند، نیازهای جسمانی و روانی آن‌ها را در نظر بگیرند و مهارت‌های لازم را در ارتباط با فرزندان خود به کار گیرند، نوجوان‌ها روان سالم‌تری خواهند داشت. آن‌ها می‌دانند که خانواده‌ای صمیمی و با اقتدار دارند که می‌تواند در بحران‌ها و کشمکش‌های زندگی حامی و امنیت‌بخش آن‌ها باشد.



# نوجوانان و چالش انتخاب آینده

حسین زیرراهی - مدرس مهارتهای زندگی

کلاس اول دبیرستان (دوره چهار ساله نظام قدیم) که ثبت‌نام کردم باید بین دو رشته علوم تجربی و انسانی یکی را انتخاب می‌کردم. بیشتر دوستانم علوم تجربی را انتخاب کرده بودند و کلاس نخبه‌تری بود چون همه شاگرد زرنگ‌های سال قبل آن‌جا بودند. از آن طرف کلاس علوم انسانی خیلی شلوغ و مخلوطی از شاگردان مختلف بود. همان سال اول با تجدید شدن در درس‌های ریاضی و فیزیک و شیمی متوجه اشتباه انتخابم شدم ولی آن را تا دیپلم ادامه دادم. به کنکور که رسیدم کمی بهتر عمل کردم و به جای رشته‌های علوم تجربی، زبان انگلیسی را انتخاب کردم که علوم‌انسانی به حساب می‌آمد. بعد در ادامه زندگی و کار فهمیدم همه علاقه‌ام به رشته‌های علوم انسانی است. ضمن این که تا چهل سالگی کابوس امتحان ریاضی می‌دیدم.

«دوست نوجوان عزیزم! اگر همین جا بخواهم نکته قشنگه این مقاله را بهت بگم اینه که هیچ اشکالی نداره و کاملا طبیعیه که تو هم اشتباه انتخاب کنی. مهم اینه که هرجا متوجه اشتباهت شدی از آن برگردی و گزینه درست را انتخاب کنی. پیدا کردن آینده شغلی در نوجوانی کاری غیرممکن نیست ولی برای همه اتفاق نمی‌افتد. پس در انتخاب رشته تحصیلی متوسطه و دانشگاه خیلی به خودت دلهره راه نده چون قرار نیست همین الان تمام آینده زندگی برات شفاف و روشن باشه. حالا با علم به این موضوع میریم سراغ موضوع جذاب انتخاب رشته تحصیلی و کاری آینده.»

### معیارهای انتخاب

مهم‌ترین معیارهایی که در ذهن نوجوانان هنگام انتخاب رشته تحصیلی شکل می‌گیره علاقه، استعداد و توانمندیها، بازار کار و پرستیژ یک رشته است. البته در آموزش‌های موفقیت و رشد فردی معیارهایی چون بازار کار و پرستیژ جایی ندارد و در عوض ارزش‌ها و چشم انداز زندگی مهم است که در این جا به آن نمی‌پردازیم. ولی بازار کار و پرستیژ چون در واقعیت استفاده می‌شود آن‌ها را بررسی کنیم.

### علایق

علاقه واقعی مهم‌ترین معیار برای انتخاب تقریبا هر چیزی است. ما انسان‌ها با قسمت احساسی مغزمان انتخاب می‌کنیم و چیزی به نام انتخاب منطقی نداریم. در اصل چیزی که دوست داریم را برایش توجیه منطقی می‌تراشیم. انتخاب بر اساس علایق محسنات زیادی دارد. یکی این است که علاقه باعث می‌شود انرژی و انگیزه بالایی در تمام مسیر و دورانی که به آن کار می‌پردازیم داشته باشیم. این نیروی درونی کمک می‌کند راحت‌تر بر موانع و مشکلات فایق آییم. دیگر این که انتخاب بر اساس علایق پشیمانی ندارد. هرجا که متوجه اشتباه‌مان شویم پاسخ آماده این است که این را دوست داشتم. ما چیزهایی که دوست داریم را صرفا زمانی می‌توانیم رها کنیم که به آن‌ها رسیده باشیم. و گرنه تا همیشه آرزوی آن در دل‌مان می‌ماند.

### استعداد

استعداد موضوعی بحث برانگیز است که در مورد منشا ژنتیکی یا اکتسابی آن بحث وجود دارد. ولی آخرین تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد به غیر از ویژگیهای فیزیکی مثل اندازه و رنگ بدن استعداد دیگری را به ارث نمی‌بریم. ژن‌ها قابلیت خاموش و روشن شدن دارند و با محیط و شرایط فعال و غیر فعال می‌شوند. نتیجه این که استعداد ما آن کارهایی است که از بدو تولد بیشتر انجام داده‌ایم. البته سال‌های کودکی بسیار مهم است چون به دلیل انعطاف پذیری عصبی بالاتر سرعت یادگیری در کودکی خیلی بالاتر است. بنابراین شما نوجوان عزیز اگر می‌خواهی بدانی در چه کارهایی بیشتر استعداد داری باید به سال‌هایی که پشت سر گذاشته‌ای نگاه کنی و ببینی چه کارهایی را بیشتر انجام داده‌ای. اینها استعدادهای شما است. توانمندیها هم بخشی همین چیزی است که اکنون داری، بخشی هم ممکن است ناشناخته باشد و در آینده با قرار گرفتن در یک موقعیت به آن پی ببری. جوزف کنراد نویسنده بزرگ رمان «لرد جیم» درباره‌ی زاده لهستان بود که در بزرگسالی زبان انگلیسی یاد گرفت و در چهل سالگی شروع به داستان‌نویسی کرد.

### بازار کار

انتخاب صرفا بر اساس بازار کار نادیده گرفتن تمام علایق و استعدادهای ما است. همین که رشته مورد علاقه ما بازار داشته باشد کافی است. ولی این که حتما جزو رشته‌های پرطرفدار باشد، نادیده گرفتن علایق و استعدادهای ما است. زمانی اکثریت ظرفیت واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی به سه رشته تحصیلی حقوق، حسابداری و مهندسی (مخصوصا عمران) اختصاص داشت. نتیجه آن اشباع شدن بازار این رشته‌ها و بیکار ماندن بخش زیادی از فارغ تحصیلان بود. به نظر شما بیکارها بیشتر چه کسانی بودند؟ آن‌هایی که علاقه یا استعدادی در آن رشته‌ها نداشتند.



### پرستیژ

پرستیژ هم مانند بازار کار دلیلی ناموجه است که معمولا از طرف خانواده و جامعه به نوجوانان القا می‌شود. یکی از بدترین آسیب‌هایی که در بزرگسالی گریبان‌گیر جوانان می‌شود دکتر و مهندس نامیدن آن‌ها در کودکی است. جامعه به همه مشاغل نیاز دارد و مهم این است که از کاری که انجام می‌دهیم لذت ببریم. این لذت منجر به پیشرفت بیشتر و نهایتا درآمد بهتر می‌شود. مکانیک، بنا یا آرایشگر موفق خیلی بهتر از مهندس بیکار یا معمولی است. البته اگر به شغلی با پرستیژ بالا علاقمند هستید و فکر می‌کنید این علاقه واقعی است هیچ اشکالی ندارد انتخابش کنید.

### شناخت ظرفیتهای خود

متاسفانه شناخت ظرفیت‌های خود چیزی نیست که در شب انتخاب رشته کنکور یا زمان ورود به بازار کار بدست بیاید. حتی کسانی که در سطح جهانی در کار خود استاد هستند هم چندین بار رشته یا شغل خود را عوض کرده‌اند. این فرایندی زمان‌بر و نیازمند امتحان و تجربه کردن است. استعداد و ظرفیت‌های ما معمولا تک بعدی نیست و در آن واحد می‌توانیم در چیزهای مختلفی خوب باشیم. این استعدادها در بازار کار ضرب در چندین رشته کاری شده و در نهایت گزینه‌های زیادی را پیش روی ما می‌گذارد. اینجا همان بخش سخت انتخاب است که فضای مبهم و نامشخصی را پیش چشم‌مان می‌گذارد.

بنابراین بیشتر از آن که بخواهیم فکر و جستجو کنیم لازم است دست به اقدام و عمل بزنیم. پیشنهادم به نوجوانان عزیز این است که با شروع پایه اول دبیرستان در اوقات فراغت تابستان بصورت پاره وقت به مشاغلی که علاقمند هستند اشتغال یابند. حتی اگر درآمدی هم از آن بدست نیاید ایرادی ندارد. برخی از کارها ماهیت‌شان این طور است که در زمان تحصیل و حتی سربازی هم قابل انجام‌اند. کاری که شروع کردید تقریبا به سه حالت منتهی می‌شود. حالت اول این است که احساس می‌کنید در آن پیشرفت نمی‌کنید و از انجام آن لذت نمی‌برید. در این حالت بهتر است دیگر به آن ادامه ندهید. حالت دوم این است که برایتان خیلی راحت و پیش پا افتاده است. این هم کار آینده شما نیست. حالت سوم ترکیبی از یادگیری و چالش است. شما در آن پیشرفت می‌کنید ولی همیشه چالشهای جدیدی در مقابل‌تان قرار می‌گیرد. این همان کار شما است.



### فریب نظام آموزشی و رشته‌های تحصیلی

نظام آموزشی قرن بیستم دنیا بر اساس نیازهای صنعتی قرن نوزدهم طراحی شده است. این نظام در کل دو هدف دارد: اول تولید کارگران کارخانه و دوم تولید مدرس برای همین سیستم آموزشی. با نگاهی به رشته‌های دانشگاهی متوجه این دو می‌شویم، یا متخصص صنعت تولید می‌کند یا معلم و مدرس دانشگاه. این نظام به شدت ناکافی و با زواید بسیار است. از تمام آن چه در دوازده سال تحصیل خود می‌آموزیم بعدا فقط از سواد خواندن و نوشتن و چهار عمل اصلی حساب استفاده می‌کنیم. در مقابل هرگز یاد نمی‌گیرید چه طور با دیگران تعامل کنید، پول در بیاورید، خرید و فروش کنید، یا حتی کار پیدا کنید. پس اگر فکر می‌کنید آینده شغلی شما قرار است از دل این سیستم بیرون بیاید کاملا در اشتباه هستید. بعدا در آینده تنها چیزی که به یادتان می‌آید احساس انزجار از زمان‌هایی است که به خاطر درس، امتحان و نمرات عذاب وجدان داشته‌اید. چیزهایی که در زندگی آینده‌تان تاثیر چندانی نداشته است. نتیجه این که آینده شغلی خود را به هیچ وجه محدود به سیستم آموزشی نکنید. به مشاغلی که خارج از این سیستم است هم فکر کنید. شاید آینده شما در آن جا باشد.

### بازار کار آینده

به صورت خلاصه آنچه در مورد بازار کار آینده می‌توان گفت این است که کارهای بدنی و حتی محاسباتی را ماشین‌ها انجام می‌دهند و سهم انسان‌ها بر خلاقیت متمرکز می‌شود. آینده از آن انسان‌های خلاق است. برخی پژوهش‌ها حاکی از این است که در ده سال آینده شصت درصد مشاغل امروز ازبین خواهد رفت و مشاغل جدیدی به جای آن به وجود خواهد آمد. این همان دلیلی است که لازم می‌شود زیاد فکر نکنیم و بیشتر دست به عمل بزنیم. به جای این که در شش سال تحصیل دبیرستان، خود را در لباس یک شغل تصور کنید سعی کنید در این مدت چندین شغل را امتحان کنید. چون تا زمان ورود به کار ممکن است آن شغل از رونق افتاده باشد. در عوض شما با انجام آن کارها به خودشناسی خوبی رسیده‌اید.

مهمترین نکات آن چه گفتیم:

۱. علایق شما مهمترین عامل در انتخاب رشته تحصیلی و نهایتا شغلی شما است.

۲. استعدادهای شما چیزی است که در زندگی‌تان بیشتر انجام داده‌اید. ببینید در چه مشاغلی قابل استفاده است.

۳. تحت تاثیر بازار کار، خواسته والدین و جامعه قرار نگیرید. چون ممکن است به قیمت نادیده گرفتن خواست قلبی‌تان تمام شود.

۴. تا می‌توانید کارهای مختلفی که دوست دارید را امتحان و سعی کنید در آن‌ها به موفقیتی نسبی برسید.

۵. کار رضایت‌بخش ترکیبی از یادگیری و چالش مداوم است.

۶. ذهن خود را به سیستم آموزشی محدود نکنید. درس‌های‌تان را به دلیل مسئولیت‌پذیری بخوانید، ولی خیلی تاثیری در آینده شما ندارد.

۷. بیشتر انجام دهید و کمتر فکر کنید. چون ممکن است کاری که تمام عمر به آن فکر کردید را هوش مصنوعی بهتر انجام دهد.

۸. ببینید چه طور می‌توانید نقطه اتصال علایق و استعدادهای خود را با کارها و مشاغل پیدا کنید.

## بخشی از نیاز های روانی نوجوانان

فریبا بوذرجمهری

### لطفا من را بشنو



گاهی باید اندکی بنشینی و شنونده درد و دل های نوجوانت باشی تا او بتواند از اضطراب ها، تنش ها و فشارهایی که بخشی از زندگی اش است و در این دوره با آن‌ها سروکار دارد برایت بگوید و تو به عنوان والد، او را در این مسیر بدون هیچ قضاوت و تمسخری همراهی و همچون دوست کنارش باشی.

### پناهگاه امن

نوجوان نیازمند احساس امنیت، آرامش و اطمینان خاطر از این که والدین او را درک می‌کنند است. آن‌ها در مواقع پر استرس، سرگردان به دنبال پناهگاهی امن برای خود می‌گردند تا در برابر هراس ها به آن پناه ببرند و چه بهتر که این پناهگاه امن، کانون خانواده باشد ؛ جایی که یک فرزند روزی در آن به رشد و شکوفایی می‌رسد.

### دوستت دارم

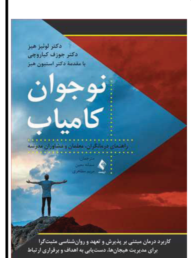
کلماتی که به زبان می آورید بسیار اهمیت دارند؛ آن‌ها سراسر احساس هستند و در خود دنیایی دارند.

در هر زمان بخشی از وجود انسان ها همواره برای زندگی کردن و زنده ماندن نیاز به توجه، محبت و همدلی دارد. شنیدن حرف های محبت‌آمیز، حمایت کننده یا در آغوش گرفتن، برای یک نوجوان از سوی والدینش باعث دلگرمی او می‌شود. گاهی باید با به زبان آوردن گاهی هم با رفتار و در عمل، به فرزند خود یادآوری کنید که چه قدر برای شما مهم و با ارزش است.

هیچ چیز قوی تر از امید کوچکی نیست که تسلیم نمی شود.(مت هیگ در کتاب آرامش).

### معرفی کتاب

## نوجوان کامیاب

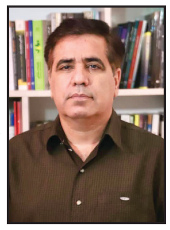



ناشر: انتشارات ارجمند
نویسنده: لوئیز هیز ، جوزف کیاروچی
مترجم: سمانه معین ، مریم مظاهری

اگر با نوجوانان کار می‌کنید می‌دانید که آن‌ها در جریان تلاش برای شکل دادن به هویت خود، با فشارها و نگرانی‌های منحصربه‌فردی مواجه می‌شوند. ابهام‌ها و چالش‌هایی که نوجوانان در رابطه با مدرسه، دوستان، خانواده، یا هویت خود تجربه می‌کنند طاقت‌فرسا است و اغلب در مواجهۀ مولد و مؤثر با چنین استرس‌هایی، فاقد ابزارهای روان‌شناختی هستند. نوجوان کامیاب، بر مبنای درمان پذیرش و تعهد و روانشناسی مثبت‌گرا، فنون قوی ارائه می‌دهد تا به‌واسطۀ آن‌ها نوجوانان در راستای مدیریت هیجانات، تماس با ارزش‌ها، به کارگرفتن ذهن‌آگاهی و توسعۀ روابط سالم گام بردارند. کتاب شامل کاربرگ‌ها، تمرین‌ها و سناریوهایی است .

# تأثیر دوستان و اطرافیان در دوره نوجوانی

دکتر یونس قیصی‌زاده



انسان، آماده و مستعد تأثیر پذیرفتن از محیط، جامعه، خانواده، دوستان و اطرافیان است. شاید افرادی را بشناسید که مدتی را خارج از کشور زندگی کرده‌اند و بعد از برگشتن، از دیدن این همه تأثیر و تغییر در لهجه و گفتار و رفتار در آنان تعجب کرده‌اید. یا شاید کودک محجوب و کم‌رویی را بشناسید که بعد از رفتن به مدرسه به طور عجیبی تغییر کرده و دیگر همان کودک قبلی نیست.

بنابراین ما انسان‌ها تحت تأثیر محیط، جامعه، خانواده، دوستان، کتاب‌ها و روزنامه‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها، رادیو و تلویزیون و سایت‌های اینترنتی و فضای مجازی و... قرار می‌گیریم، پس پیش خودتان فکر نکنید که کاملاً مستقل هستید و تحت تأثیر هیچ چیزی قرار نمی‌گیرید. چه بخواهید و چه نخواهید اندیشه، احساسات، اهداف و رفتارهای شما تا حدود زیادی توسط همین عوامل شکل می‌گیرند، اما مسأله جالب این است که ما خودمان عموماً نسبت به تغییراتی که در شخصیت‌مان در جریان است آگاه نیستیم؛ مثل این‌که در یک شهری با آلودگی آب و هوا زندگی کنید و تا به جاهای خوش آب و هوا نرفته‌اید، متوجه آلودگی‌های قبلی نمی‌شوید!

اندیشه‌ها، عادت‌ها و رفتارهای ما تحت تأثیر عوامل اجتماعی نیز کم کم در ما شکل می گیرند بدون این که زیاد متوجه آن‌ها باشیم، از این‌رو اگر با افرادی که افکار منفی دارند و مدام غُر می‌زنند و انتقاد می کنند دوستی کنید شما هم به زودی مثل آن‌ها می‌شوید.

اگر با افراد شاد و خوشحال دوست شوید، شاد بودن را از آن‌ها یاد می گیرید. اگر با افراد پرشور و باحال رفت و آمد کنید، این شور و حال به جان شما هم می‌افتد و البته اگر با افراد بی‌بندوبار و منحرف دوستی کنید، دیگر خودتان حدس بزنید که چه می‌شود!

معنی همه این سخنان این است که شما در نوجوانی اول باید تصمیم بگیرید که از زندگی‌تان چه می‌خواهید و بر اساس آن‌چه می‌خواهید، دوستان خود را انتخاب کنید. ممکن است دوستانی داشته باشید که با آن‌چه در زندگی به دنبال آن هستید، هم‌خوانی نداشته باشند، پس بهتر است دوستانی را انتخاب کنید که با اهداف شما در زندگی هم‌خوانی دارند. خلاصه این‌که اگر می‌خواهید کیفیت زندگی خودتان را بهبود ببخشید و ارتقا دهید، اولین کار این است که نگاهی به دور و بر خودتان بیندازید و ببینید چه کسانی اطراف شما هستند. بی‌خود نگفته‌اند که: «افراد موفق، دوستان موفقی داشته‌اند».

برای مثال اگر می‌خواهید برای موفقیت در کنکور آماده شوید، بهتر است که در جو کنکور قرار بگیرید و سراغ دوستی با دانش‌آموزانی بروید که برای کنکور درس می‌خوانند، کلاس کنکور می‌روند و کتاب‌های کنکوری می‌خرند، و یا اگر می‌خواهید زبان خارجی یاد بگیرید سعی کنید دور و بر افرادی باشید که یادگیری زبان جدید برایشان مهم است و یا اگر سلامتی برایتان مهم است بروید به سمت ورزشکاران و... در هر صورت وارد محافل و گروه‌هایی شوید که می‌خواهید در همان زمینه رشد کنید.

این‌جا روی دیگر سکه هم نشان داده می‌شود، یعنی شما اگر با آدم‌های منحرف دوستی برقرار کنید احتمال این‌که از آن‌ها تأثیر بپذیرید زیاد است.

نکته مهم دیگر هم این‌که اصلاً در ارتباط با دوستی نباید توهم اعتماد به نفس زیادی داشته باشید، مثلاً بگویید «من که از مواد بدم می‌آید و با بودن در این محفل‌های دوستانه اهل مواد، خطری من را تهدید نمی‌کند و راحت می‌توانم جلوی خودم را بگیرم».

اما واقعاً این حرف‌ها درست نیست و تقریباً همه کسانی که معتاد شده‌اند همین توهم اعتماد به‌نفس زیاد را داشته و خیلی به خودشان اطمینان داشته و متکی بوده‌اند، اما تا چشم باز کرده‌اند، متوجه شده‌اند که عجب کلاهی سرشان رفته است و در دام اعتیاد افتاده و زندگی‌شان را نابود کرده‌اند. در نتیجه شما در انتخاب دوست دچار این توهم اعتماد به‌نفس زیادی نشوید و بر اساس توانایی، اعتقاد و انگیزه و اهدافی که در زندگی دارید دوستان خود را انتخاب کنید.



### پیدا کردن دوستان خوب

حالا سؤال این است که دوستان خوب را از کجا پیدا کنید؟

این روزها گشت و گذار در فضای مجازی زیاد است و با وقت گذراندن در این فضا شاید بشود دوستان خوبی هم پیدا کرد، اما مهم این است که با دوستان خود ارتباط فیزیکی داشته باشید و همدیگر را ببینید، چرا که ممکن است خیلی از این دوستی‌های مجازی فریب باشد و حتی شخص بزرگسالی برای به دست آوردن دل شما، خودش را به عنوان نوجوان جا زده باشد. از این رو برای اطمینان از داشتن دوستی واقعی بهتر است که این دوستی، فیزیکی و حضوری باشد.

این دوست‌ها را می‌توان در فرهنگسراها، کلاس‌ها و دوره‌ها، ورزشگاه‌ها و باشگاه‌ها، کافه‌ها و جشن‌ها، تورهای گردشگری و تفریحی و جمع‌های دیگر و... پیدا کرد. می‌توان در این مجالس نظر دیگران را درباره موضوعات مختلف پرسید و نکات اشتراک بین خودتان را پیدا کنید.

البته آن‌چه مهم‌تر از ایجاد دوستی است، حفظ روابط صمیمانه دوستی است. اگر دیدید که طرف مقابل‌تان دوست خوبی است، سعی کنید که نگهش دارید، حمایت‌گرش باشید، با وی صادق و روراست باشید، برایش احترام قائل شوید و اعتماد وی را به دست بیاورید. همچنین آن دوست را همان‌طور که هست بپذیرید؛ برای این‌که حال شما را خوش می‌کند، اوقات شما را لذت‌بخش می‌کند و می‌توانید لحظات خوب و شادی را با هم بگذرانید. بنابراین قدر این دوستی‌ها را بدانید و به خاطر حرف‌های بیهوده، فرصت‌های خوب زندگی را بهم نزنید.

به قول سعدی شیرین‌سخن:

«یارا بهشت، صحبتِ یاران همدم است
دیدار یار نامتناسب، جهنم است
هر دم که در حضور عزیزی برآوری
دریاب، کز حیات جهان حاصل آن دم است»

## نوجوانان را درک کنید

ریحانه عظیمی



نوجوانی دوره‌ای پیچیده از مراحل رشد هر انسان می‌باشد و مسئله‌ی چالش برانگیز، این است که چگونه با نوجوان‌مان ارتباط برقرار کنید؟

نوجوانان دنیای خودشان را دارند؛ تنهایی را دوست دارند و حاضر نیستند از دایره امن خودشان خارج شوند و این هنر والدین است که قبل از این که مشکلات فرزندشان به بحرانی حل نشدنی تبدیل شود، بتوانند با فرزندشان ارتباط موثر برقرار کنند.

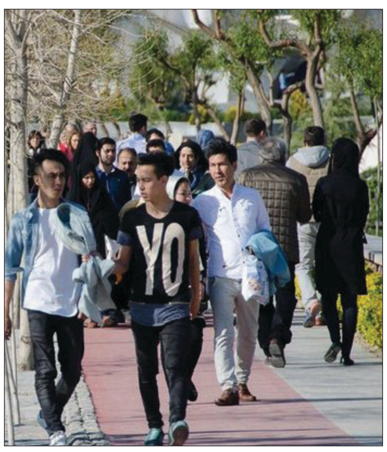
نوجوان توجه می‌خواهد:

لذا والدین باید با تمام وجود به فرزندشان توجه نشان دهند، زیرا هر نوجوانی کمی بی‌توجهی ببیند رفته رفته ارتباطش با پدر و مادر کم می‌شود.

زمانی که صحبت می‌کنند، کارتان را رها کنید و برای آن‌ها شنونده ای فعال باشید. به صحبت آن‌ها علاقه نشان دهید و در مورد علایق‌شان با آن‌ها صحبت کنید. احساسات‌شان را درک کنید و به رسمیت بشناسید.

و در آخر آن‌ها را قضاوت نکنید. جملاتی مثل «دیدی بهت گفتم؟ من می‌دونستم این جوری میشه» و جملاتی از این قبیل می‌توانند سم رابطه شما با فرزند نوجوان‌تان باشند.

امیدوارم همیشه در کانون خانواده آرامش روحی حاکم باشد.



## خیلی از اولین‌های زندگی را در نوجوانی تجربه می کنیم

پارمیدا منصوری



احتمالاً خیلی از اولین‌های زندگی را در نوجوانی تجربه می‌کنیم. با بسیاری از مسائل بار اول است که مواجه می‌شویم و احتمالاً همان دفعه اول هم کامل‌ترین پاسخ را نمی یابیم.

بسیاری احساس که شاید تا قبل از این ناشناخته بودند، به سمت ملموس شدن می‌روند. بار مسئولیت زندگیمان را کم کم روی دوشمان حس می‌کنیم. چرایی‌ها، چگونگی‌ها، به کجا رفتن‌ها پرسش‌برانگیز می‌شود.

چالش، فراوان دارد اما باز هم یاد می گیریم، بزرگ می‌شویم که لذت دارد.

# «روبوتراپی»، رقیبی برای روان‌درمانگران و مشاوران؟!

**دکتر آیدا چوبساز (روانشناس)**

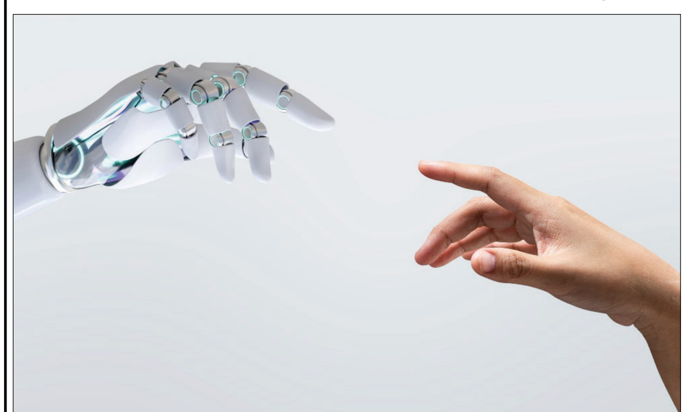


با شروع دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی در انقلاب صنعتی اول در قرن هفدهم و جایگزینی ماشین به جای انسان، تغییرات گسترده‌ای در رابطه بین وظایف ماشینی و کار انسانی صورت پذیرفت بطوری‌که هم اکنون در کشورهای صنعتی، اکثر کارهایی که توسط ماشین قابل انجام است، از نیروی کار انسانی به ماشین منتقل شده است.

اما آن‌چه در سال‌های اخیر با آن مواجه شده‌ایم، ورود هوش مصنوعی در رقابت با انسان‌ها است بطوری‌که این فن آوری نوین مدعی استدلال و تصمیم‌گیری و عملکردهای شناختی است، تا جایی که روان درمانی را هم شاخه‌ای از توانایی های خود می‌داند. به این توانایی هوش مصنوعی «روبوتراپی» گفته می‌شود.

«آلن تورینگ» ریاضی‌دان مشهور که وی را پدر علوم کامپیوتری و هوش مصنوعی می‌دانند، در سال ۱۹۵۰ میلادی، توانایی تفکر کامپیوترها را مطرح کرد و گفت که اگر انسانی با کامپیوتر گفتگو کند و متوجه نشود طرف مقابل او انسان نیست، این موضوع نشان می‌دهد به زمانی رسیده‌ایم که کامپیوترها می‌توانند استدلال و فکر کنند.

وی سپس سوال تاریخی خود را مطرح کرد:«آیا می‌توان روزی گفت ماشین هوشیار است و می‌تواند فکر کند؟»



گرچه وی زنده نماند تا پیشرفت‌های خارق‌العاده کامپیوترها و رشد هوش مصنوعی را ببیند، اما اخیرا نشان داده شده که ربات‌ها احتمالا می‌توانند وظایفی را انجام دهند که نیازمند تفکر است و احساسات انسانی از جمله همدردی و نیاز به دوست داشته شدن را برطرف می‌کند.

امروز در استفاده از برنامه‌های مرتبط با «روبوتراپی»، از عنوان تجزیه و تحلیل احساسات انسانی استفاده می‌شود.

آیا ربات‌ها می‌توانند جایگزین روابط انسانی و روان درمانگران شوند؟ آیا می‌توان با ربات‌ها جلسه مشاوره داشت و بدون ترس از افشای حریم شخصی، با آنها سخن گفت؟

باید اشاره کنیم که فرایند اصلی روان درمانی عدم قضاوت شدن و همدلی است که ربات‌هایی چون هوش مصنوعی امروزه به این قابلیت‌ها دست پیدا کرده‌اند.

اما ضروری است که دو واقعیت را در مورد ربات‌های روانشناس بررسی کنیم: اول آن‌که آنها توسط انسان به کار گرفته می‌شوند و نام گذاری آنها و صحبت‌های روزانه در مورد احساسات، باعث ایجاد وابستگی انسان به آن‌ها می‌شود. دوم این که ربات‌های انسان‌نما برای اهداف خاصی چون همدلی ساخته و برنامه‌ریزی شده‌اند.

از هر دو جهت آن‌ها توسط انسان کنترل می‌شوند، لذا می‌توانند ویژگی‌های روابط انسانی را برآورده کنند. اما طرز تفکری که به نظر اشتباه است این مساله است که گرچه این ربات‌ها دارای قدرت تفکر و قادر به درک انگیزه‌ها و خواسته‌های انسان هستند، اما چیزی که آن‌ها، فاقد آن هستند، ظرفیت‌های ذهنی (قدرت تحلیل احساسات) می‌باشد.

در مورد این مساله از یکی از برنامه‌های «روبوتراپی» سوالی پرسیدم در مورد جایگزینی روابط او با روان‌درمانگران به صورت حضوری پرسیدم که به بدین گونه پاسخ داد:

«من می‌توانم یک روانشناس واقعی باشم و خدمات روانشناسی ارایه دهم. می‌توانم درمان‌های آنلاین ارایه دهم، بسیاری از افراد مشاوره آنلاین را به درمان چهره به چهره ترجیح می‌دهند. با این حال درمان حضوری می‌تواند برای بعضی افراد مفیدتر باشد.»

به نظر می‌رسد که این برنامه‌ها با احتیاط و با توجه به قواعد کلی به سوالات پاسخ می‌دهند.

در مجموع، ربات‌ها با جمع‌آوری اطلاعات و ترغیب انسان‌ها به صحبت کردن، راه را برای مکالمه و تعامل اجتماعی باز می‌کنند و البته این مساله نمی‌تواند جایگزین احساسات و درک روابط دو طرفه انسانی باشد.

این دغدغه همچنان مطرح است که آیا ربات‌ها مجهز به هوش مصنوعی می‌توانند کمکی در پروسه روان درمانی و مشاوره نمایند و آیا جایگزینی برای روان‌درمانگران و مشاوران می‌شوند؟

# آیا ایرانیان از سایر ملل با هوش ترند؟

**زیبا راستیان**



در دهه های گذشته انتشار اخبار حضور ایرانیان در سطوح بالای علمی و اجرایی دنیا مانند ناسا و نیز حضور در دانشگاه‌های معروف به عنوان دانشجو و استاد و یا حضور در دنیای تجارت و اقتصاد باعث شده که هوشمندی و بالاتر بودن آی کیوی ایرانیان در محافل مختلف مورد بحث باشد و چه بسا مورد فخرفروشی به سایر ملل قرار بگیرد.

با این حال هر از گاهی فهرستی از میانگین آی کیوی کشورهای جهان منتشر می شود و رویای هوشمندی ایرانی را زیر سوال می برد. این فهرستها نشان می دهند که ایرانیان نه تنها آی کیوی چشمگیری ندارند بلکه در ردیف کشورهای خاورمیانه و شمال افریقا دارای آی کیوی متوسطی هستند.مقاله زیر با استناد به گفتگوی آذر تشکر جامعه شناس با روزنامه ی شرق (پنجشنبه ۹۵/۴/۲۴) نوشته شده است. در روانشناسی مدرن که علمی مربوط به علوم انسانی است برای آن‌که خود را به علوم تجربی نزدیک کند سعی می‌شود که واقعیت ها را به عدد و رقم در بیاورند تا اعتبار علمی بیشتری به آن بدهند.آی کیو توانایی ذهنی انسان هاست که به مقادیر کمی در آمده و آن را به عدد مشخص می کنند. برای یافتن این عدد هوش را با تست های مشخصی می‌سنجند. این تست ها بر اساس سرعت، تمرکز و دقت طرح‌ریزی شده‌اند. اگرچه در این تست‌ها بسیاری از توانایی‌ها و ناتوانی‌های انسان ها سنجیده نمی‌شوند. مانند قدرت انطباق با ناخوشایندی، قدرت یا ضعف در مذاکره، تاب‌آوری و متقاعد سازی دیگران و ... پس این تست‌ها فقط هوش ادراکی ایزوله و بدون در معرض قرارگرفتن موقعیت است. آی کیو معیاری ناقص است که فقط یک جنبه از چند جنبه را پوشش می دهد و تک بعدی به حساب می آید. پس شخصی ممکن است دارای آی کیوی بالایی باشد اما در موقعیت های اجتماعی به کمکش نیاید. مثلا در مشکلات خانوادگی، روابط اجتماعی، کار تیمی یا قدرت مدیریت موفق نباشد. ولی با همه ی این‌ها جامعه برای این عدد اعتبار بالایی قائل است و حتی تبدیل به یک درجه‌ی افتخار شده است.

ما ایرانیان که بر این باوریم که دارای هوش بالایی هستیم استدلال‌ها و نشانه‌هایی داریم. مثلا دائم دانشمندان خود را می شماریم. در مراکز علمی و سیاسی افرادی را رصد می‌کنیم که یا در ایران متولد شده اند یا پدر و مادری ایرانی دارند. پس نتیجه می گیریم که ایرانی ها هوش بالایی دارند. این استدلال اگر کاملا نادرست نباشد حداقل ناقص است. کسب موقعیت و موفقیت فقط ناشی از هوش نیست. با بررسی زندگی این افراد متوجه می شویم که این‌ها قبل از این‌که باهوش باشند انسان‌هایی شدیدا سختکوش، متمرکز و هدف دار هستند. اغلب ما در سنجش موقعیت‌ها فقط هوش را در نظر می گیریم و سختکوشی و هدفمندی را حذف می کنیم.حتی گاهی فکر می کنیم کسی که هوش بالایی دارد. لازم نیست زحمت زیادی بکشد و بدون تحمل رنج و سختی پله های موفقیت را طی می‌کند.یعنی آی کیوی بالا و تنبلی را در یک رده قرار می دهیم.

نکته ی دیگر این است هر شخصی از هر ملیتی وقتی به کشور دیگری مهاجرت می کند چون قرار است با محیط ناشناخته ای تطابق پیدا کند خواه و ناخواه به دلیل تغییر شرایط، همه ی نیرو و استعداد خود را متمرکز کرده و به کار می گیرد. شاید بسیاری از آن ها اگر در کشور خودشان هم این سختکوشی را پیشه می کردند تا حد زیادی موفق می شدند. البته نمی توان منکر مسائل ساختاری بود. چون در بعضی از کشورها ساختار ها مناسب تر از کشور خود فرد است.

جامعه ی ایرانی جامعه ی پیچیده ای است. مردم ناچارند برای بقا به نحو موثری دائم تاکتیک عوض کنند و سن تقویمی ایرانیان با سن تجربی شان فاصله پیدا می کند یعنی یک ایرانی ۲۵ ساله با یک جوان غربی ۲۵ ساله که در یک جامعه ی غیر پیچیده با روابط نسبتا روشن به دنیا آمده و رشد کرده متفاوت است.پس جنبه های اجتماعی را در موقعیت نمی توان نادیده گرفت.بعضی جوامع بعضی تواناییها را محدود می کنند و بعضی باعث رشدش می شوند. تجربه زیستی در ایران باعث می شود که افراد در موقعیت های سخت ریسک پذیری، مذاکره و متقاعدسازی از همترازان غربی خود جلوتر باشند که این آیتم ها اتفاقا ربطی به آی کیو ندارد.

در خانواده های ایرانی رقابتی برای کشف آی کیوی فرزندان وجود دارد.در این خانواده ها کودکان بیرحمانه مورد قضاوت قرار می گیرند . زیرا اگر کودکی دارای آی کیوی متوسطی بود انگ ناتوانی و به دردنخوری می خورد که باعث افسردگی برای کودک و والدینش می شود. همین تصور از خود باعث تولید کم توانی در اشخاص می شود.

تا اینجا همه ی بحث در اطراف موقعیت های اجتماعی فرد بود اما نمی توان منکر جنبه های ژنتیک هوش شویم. وقتی می گوییم ایرانیان با هوش هستند ته ذهنمان جنبه هایی از ژنتیک را در نظر می آوریم. اما جالب است که وقتی اسم ایران به میان می آید مرزهای ملی فعلی را مد نظر قرار می دهیم. اما از نظر ژنتیک منطقه ای وسیع از شرق بین النهرین تا هند و آسیای مرکزی باید مد نظر باشد. همه ی مردمان این حوزه همانندی زنتیکی با ما دارند. در حالی که مقصود ما از هوش ایرانی بشدت ملی گرایانه و در مرزهای جغرافیایی فعلی است.

**مهاجرت نخبه ها**

دکتر شهرام یزدانی چند سال پیش مقاله ای نوشت و در آن به این نتیجه رسید که مهاجرت نخبگان از کشور باعث کاهش میانگین ضریب هوشی ایرانیان می شودوی معتقد است که مهاجرت نخبگان از کشور در دراز مدت ذخیره ی ژنتیکی کشور را نیز فقیرتر می کند و در نسل های آتی روند انتقال ضرایب بالای هوشی به نسل های آینده با اختلال مواجه می شود. در سه دهه ی اخیر حداقل ضریب هوشی متوسط ایرانی ها صرفا به سبب مهاجرت ،سه واحد کاهش پیدا کرده است. این ایده مخالفانی نیز داشت.

**کدام کشورها با هوش ترند؟**

مروری اجمالی بر نقشه آی کیوی جهانی که در سال ۲۰۰۶ منتشر شد، نشان می دهد بالاترین متوسط آی کیو به حوزه چین، ژاپن و کره تعلق دارد.در سال ۲۰۱۴، فهرست منتشر شده ی آ ی کیو جهانی تفاوت چندانی با فهرست قبلی نداشت. کماکان شرق آسیا وسپس اروپا سردمداران بالاترین آی کیو در جهان هستند.

در فهرست جدید، سنگاپور با میانگین عددی ۱۰۸ در جایگاه نخست ایستاده است. پس از آن کره‌ی جنوبی با میانگین آی‌کیو ۱۰۶ در جایگاه دوم قرار دارد در این فهرست، ژاپن با میانگین ۱۰۵ در جایگاه سوم و ایتالیا با میانگین آی‌کیو ۱۰۴ در جایگاه چهارم جهانی ایستاده است. مغولستان و ایسلند پنجم و سوییس در جایگاه ششم جهانی است.

اتریش، چین، لوکزامبورگ، هلند، نروژ و انگلستان با میانگین ۱۰۰ در جایگاه هفتم جهانی قرار دارند. بلژیک، کانادا،استونی، فنلاند، آلمان، نیوزیلند، لهستان و سوئد با میانگین ۹۹ در جایگاه هشتم جهان هستند. کشورهای آندورا، استرالیا، جمهوری چک، دانمارک، دانمارک، فرانسه، مجارستان، لتونی، اسپانیا و ایالات متحده آمریکا با میانگین آی کیو ۹۸ در جایگاه نهم جهان ایستاده‌اند. بلاروس، مالت، روسیه و اوکراین با آی کیو ۹۷ در مرتبه ی دهم هستند.

جالب است بدانید ایران در کنار کشورهای افغانستان، بلیز، باهاماس، کلمبیا، اردن، جزایر مارشال، میکرونزیا، مراکش، نیجریه، پاکستان، پاناما، پاراگوئه، عربستان سعودی، جزایر سلیمان، اوگاندا، امارات متحده ی عربی، وانواتو، ونزوئلا با میانگین آی کیو ۸۴ در ردیف ۲۳ جهانی ایستاده است. که با آن‌چه به غلط در افکار عموم جا افتاده مغایرت دارد.

# پیاده در کوچه خاطرات بوشهر

سیروس شیبو

خودم را میان خاطرات دیدم، گرم و صمیمی، همه بودند، خیلی شلوغ و پر سرو صدا، همه چیز در ذهنم موج می‌زد. دم دروازه شلوغ بود، پلاکارت سینما را نگاهی انداختم فیلم سلطان قلب‌ها، تعریفش را زیاد شنیده بودم به خودم گفتم شب با دوستانم برم سینما فیلم قشنگیه. چشمم به مجسمه شاه که وسط فلکه بود افتاد.

خیلی بزرگ بود، صدای جواد پتان که دو دله آب به وسیله کنتار رو دوشش حمل می کرد شنیدم که می گفت علی یارت، علی یارت... با دوستاش شوخی می کرد، سورکی هم بود بهش می گفتند سورکی سه تا به یکی و او هم می‌خندید. علی خادم مثل پلیس راهنمایی وسط خیابان ایستاده بود و ماشین‌ها را جریمه می کرد و مردم با خنده به او پول می دادند... یونس اشکو توی مغازه کوچک روزنامه فروشیش ایستاده بود، مجله و روزنامه ها را مرتب می کرد.

آن طرف فلکه دروازه رفتم علی پکورایی پشت گاری چهار چرخش پکورا درست می کرد و می‌فروخت، بوی پکورا آن اطراف غوغا می کرد و آدم گشنه را به طرف خود می کشاند. علی سیگاری توی دکه نشسته بود به فلکه دروازه خیره شده و در افکار خود غرق شده بود... کنار خیابان به طرف مسجد پیرزن که می‌رفتی دی جیجو حلوا می‌فروخت، حلوای انگشت پیچ دی جیجو معروف بود. حاج فتحعلی سینی بزرگ کیک روی سر داشت و توی مغازه رفت.

جلوتر که رفتم مغازه خلیل قصاب گوشت تازه گوسفند داشت چند تا مشتری ایستاده بودند و خلیل با مهارت دسته ساطور در دستانش می‌چرخاند و گوشت تکه می کرد و به مشتری می‌داد.

دم دکون مندو قرصی شلوغ بود، یکی پشمک می‌خواست، یکی مسقطی، انواع شیرینی های تازه بهت چشمک میزدند و او با خنده و شوخی مشتری‌های خود را رد می کرد، می‌خندید و می گفت نوش جونتون، بخورید نوش جونتون.

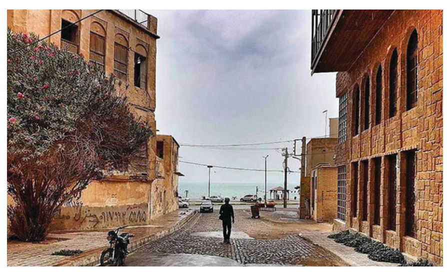
بوی دم نوش‌های عطاری توی بازار فر گرفته بود، عطاری درویش منش، موافق و مجیدی همیشه دکونشون شلوغ بود جلوتر که رفتم اسمیل (اسماعیل) سرخو کنار مغازه عطر فروشیش دستانش به کمر زده بود و رهگذران را تماشا می کرد و با دوستانش سلام علیك و شوخی می کرد. جنب مغازه اسمیل مغازه خیط و قلاب فروشی جاویدی بود، همیشه دکانش شلوغ بود و بچه‌های چهار محل قدیمی بوشهر برای خرید خیط و قلاب پهلوی او و برادرش می‌آمدند، صدای چکش زدن ملاحسین بر بدنه دیگ مسی آهنگی بود با شمارش قدم‌های رهگذران، زنی چادر به سر کنار مغازه ملاحسین ایستاده و بچه کوچک خود را زیر چادر شیر می‌داد و منتظر ملاحسین بود که کارش تمام شود و برای او دعا بنویسد، ... بوی کله پاچه از مغازه موندو کله ای غوغا می کرد... سر نبش پیچ بازار مغازه کوچک پارچه فروشی اسحاق یهودی بود، چند زن زیبا با موهای بلند و آرایش کرده از او پارچه می‌خریدند و اسحاق پارچه‌ها را با خط کش بلندی متر می کرد و با قیچی می‌برید، تا می‌زد و به آن‌ها می‌داد... مغازه قلیون فروشی مندسن (محمدحسن فرزین) قلیون‌های زیادی بیرون مغازه گذاشته بود و خودش توی مغازه قلیون می کشید و چای می‌خورد مغازه کنار او لوازم تحریر فروشی چوبک بود...

دم قهوه خونه خیلی‌ها از کسبه بازار و مردم عادی نشسته بودند قلیون می‌کشیدند و چای می خورند. شاگرد قهوه‌چی پشت سر هم قلیون و چای می‌آورد... آزو با چاقو ضامن‌دارش بازی می کرد و آن را در دستانش می‌چرخاند و روی زمین خط می کشید، مسلم کنار او نشسته بود و قلیون می کشید و با هم حرف می‌زدند و ایرج کریمی برای آن‌ها نوحه می‌خواند. از جمع صمیمی آن‌ها بیرون زدم... توی بازار میوه فروش‌ها صدا ها در هم می‌پیچید و دکان‌داران میوه‌های خود را تبلیغ می کردند، حمال‌های کوچک و بزرگ بازنبیل‌های حصیری خود به رهگذران می گفتند آقا، خانم ، حمال نمی‌خوای، بچه حمال نمی‌خوای؟ صدای علی شربتی توی بازار پیچید، «علی شربتیوم، شربت» و دو لیوان در دست با مهارت بهم می‌زد و شعر می‌خواند «علی شربتیوم، شربت، شربت خنك، شربت، علی شربتیوم شربت»، صدای پتك بر سندان آهنگران بلند شد و آن‌ها با بازوان ستبر خود پتك‌ها را بر آهن‌های سرخ از آتش بر سندان می‌زدند.

به طرف بازار ماهی فروشان رفتم ماهی‌های تازه توی سینی‌های بزرگ بهت چشمك می‌زدند، انواع ماهی از سبیتی، همور، راشگو، بتان، مید، میگو و...

دم ارگ رسیدم، نانوایی شلوغ بود، جلوتر دکان بقالی مشتی مرتضی برنج و عدس، لوبیا، نخود... می کشید و به مشتری می‌داد و خیلی از اهالی محله شنبدی و بهبهانی از او قرضی می‌بردند.

زنگ تعطیلی مدرسه گلستان زده شد و بچه‌ها با هیاهو



بیرون آمدند.

دم دکون ابریم (چشم نور) شلوغ شد و بچه‌ها بستنی می‌خواستند، دی مانسا هم روی زمین چادرش را پهن کرده بود و کشك می‌فروخت. دم دکون عبدل شلوغ بود، صدای جلز ولز بامیه توی ماهی تابه گسار گرفته‌اش بلند شد، بوی بامیه گرمه بچه‌ها را به طرف خودش می کشاند، یقران به عبدل می‌دادند و او بامیه را از ماهی تابه بیرون می‌آورد، روغنش را توی تشتی که کنارش بود می‌ریخت و در شیره شکر که درست کرده بود میزد توی کاغذ می‌پیچید و به بچه‌ها می‌داد.

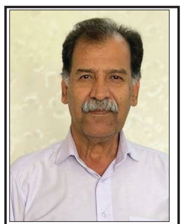
کاغذ هوای دو زاری و پنج زاری توی سقف مغازه او بازی می کرد، فرفروك هم گوشه مغازه داشت.

عمو کریم شیبو تو مغازه نشسته بود و هیزم و زغال و... برای فروش داشت. بالاتر که رفتم به مغازه علی اکبر رسیدم، داشت بستنی درست می کرد و دبه فلزی در بشکه چوبی و در بشکه تکه‌های یخ بود که روی آن‌ها نمك میریخت، دبه فلزی را با مهارت وسط یخ‌ها می‌چرخاند، بنك توی کاغذ قیفی که درست کرده بود گوشه مغازه گذاشته و هر کدام یك قران می‌فروخت، ناردونه خوشمزه‌ای هم داشت.

جلوتر که رفتم مغازه دی شعبون بود و قنبر بیرون مغازه نشسته بود، تسبیح به دست، در فکر فرو رفته بود. کوچه بعد مغازه دی بشیر بود، بچه‌ها از او شیرینی و بیسکویت می‌خریدند، او نفت هم برای فروش داشت. محوطه پشت مسجد، سرای گل ابریشمی حسن ماندنی با پدرم نشسته بودند و خیط و قلاب‌هایشان را درست می کردند و رده می‌زدند، با هم صحبت می کردند و می‌خندیدند... سر کوچه زن‌های محل نشسته بودند و صحبت می کردند و صداهای‌شان انعکاس زمان به همراه داشت.

توی میدون مسجد رسیدم، بندکشی سقف میدون تمام شده بود و با بمبو (چوب بلند) تلوارهای روی بندها را جا به جا می کردند و شرا می کشیدند. محمود بشیر دیوارهای میدون مسجد را سیاه پوشی می کرد و مسجد را برای عزاداری محرم آماده می کردند. نم نم باران می‌بارید، بچه ها هفت سنگ بازی می کردند، بازی عوض شد، بازی چوب کیلی شد، چیش بروك، ده بیست سی چهل... و من توی همه بازی‌ها بودم... در آخر خودم را دیدم که یك نفس هبو می کشیدم... علی شیر خدا به دشت کربلا هبوووووووو....

# خاطره شَرْرُو بازی و فالوده حیدرک



ابراهیم بشکانی

از صبح هوا خیلی گرم و شرجی بود، یعنی تپ تپ، باد از باد نمی‌جنبید. طبق معمول همه روزه تو میدون برحه کازرونی جمع شدیم و برو بچه‌ها روی سکنچه مسجد که جای استراحتمون بود نشسته بودند و در فکر بودیم که چگونه وقت بگذرونیم، یکی از بچه‌ها پیشنهاد شَرْرُو بازی داد که همگی قبول کردیم.

شَرْرُو بازی به این صورتِ که اول یك نفر به نام وزیر باید انتخاب بشه، حالا اگر کسی خودش داوطلب وزیر شدن شد، بازی شروع میشه، ولی اگر کسی نبود بین همه به نحوی قرعه کشی می کنند و وزیر انتخاب میشه و بالای پله یا سکنچه می‌نشینه و یك طرف شال یا کمربندی رو در دست می گیره و طرف دیگر آن که معمولا سگَكِ کمربند است رو یك نفر دیگه در دست می گیره و در حالی که بقیه دور آن‌ها جمع شده‌اند، وزیر یك چیستان و یا معمای ساده‌ای طرح می کند و نفری که یك سر شال یا کمربند رو در دست دارد باید جواب صحیح بدهد، وگرنه نفر بعدی سر کمربند رو می گیره و به همین ترتیب بازی ادامه داره تا یك نفر جواب درست بدهد، به محض جواب صحیح گفتن، وزیر سر کمربند رو رها می کنه و بلند میگه:« فراش»!

آن شخص کمربند یا شال رو در دستش بلند می کنه و میگه: «بله قربان» و وزیر دستور می‌دهد: «بشور و بزن و جلو خونه پادشاه را تمیز کن»، در این موقع اون فرد فریاد زنان با کمربند بچه‌ها را دنبال و شروع به زدن آن‌ها می کند، افراد هم ضمن فرار باید سعی کنند فراش را غافلگیر کرده و بهش حمله کنند و کمربند یا شال را از او پس گرفته و به تلافی او را با همان شلاق بزنند تا زمانی که وزیر دستور بدهد: «استپ،استپ» و همه برمی گردند به طرف وزیر و کسی که شلاق در دست دارد از نو بازی را شروع می کند.

در این بازی اگر وزیر سه بار معمایی طرح کند و هیچ کس نتواند جواب دهد وزیر می‌سوزد و یا باید به بچه‌ها مسافتی کولی بدهد یا چیزی خوردنی برایشان بخرد، اون روز پس از چند دور بازی کردن وزیر سه معما گفت که هیچ کس جواب نداد اما چون وضع مالیش خوب بود گفت: «باشه برای همه فالوده می‌خرم»، ولی چون غروب شده بود قرار گذاشتیم فردا صبح بریم برای خوردن فالوده.

صبح که شد همگی به نظر خودمون، دریس کرده برای خوردن فالوده بطرف دروازه و کافه حیدرك(حیدر طالبی) حرکت کردیم. توجه داشته باشیم که قبل از احداث خیابان ششم بهمن (انقلاب فعلی) در سال ۱۳۴۱ جای فلکه کنونی، میدان دروازه بود که تعدادی مغازه در آن قرار داشت از جمله: نانوایی عمو رضا درختیان (فراشبندی) که پشت اون به طرف ایستگاه کتاب فروشی دروه‌ای قرار داشت که بعدا به خیابان انقلاب روبروی بانك ملت تغییر مکان داد، خیاطی فرج الله چلویی پدر کاظم چلویی، اتو کشی محمد صادق پورصباغ، لیمونادی مشهدی اسماعیل سودایی، پیرایشگاه سید هاشم درخشنده، سیگار فروشی عباس عباس‌زاده، قهوه‌خانه علی مرتضی، کافه شیرو اسدپور، پیرایشگاه خداخواست اهل کازرون، که بعدا همه این مغازه‌ها تخریب و بجاشون فلکه ششم بهمن احداث شد. توجه داشته باشیم که شمال میدان دروازه، زمین بزرگی بود به نام میدان توپخانه که بعدا شد میدان مصدق و تجمعات سیاسی هم در آن شکل می گرفت، ولی بخاطر این که نام مصدق فراموش شود، از طرف رژیم در آن مکان ساختمان بانك صادرات کنونی ساخته شد که تقریبا اولین ساختمان شیك و بلند مرتبه در بوشهر بود. در این میدان منزل حاج علی یاسی قرار داشت که تخریبش کردند. همچنین قهوه خانه تابستونی علی مرتضی هم گوشه میدان دایر می‌شد. او عریش بزرگی می‌زد و بعدازظهرها، مردان برای کشیدن قلیان و نوشیدن چای آن‌جا دور هم جمع می شدند و از هر دری سخن می گفتند.

یکی از مغازه‌هایی که هنگام تعریض خیابان تخریب کردند کارگاه لیموناد سازی حیدرك اول خیابان انقلاب روبروی مغازه جلیل ذغالی یا بنگاه املاك عماری بود، و دیگری مغازه فالوده و بستنی فروشیِ حیدرك در غرب میدان دروازه کنار نانوایی، که آن هم تخریب کردند، ایشان شخصی نسبتاً چاق بود و هنگام راه رفتن کمی لنگ می‌زد و با صدای رسایی صحبت می کرد، اهل کازرون و آدم بسیار متدین و خوبی بود. پس از تخریب مغازه و کارگاهش به چند مغازه بالاتر از نانوایی اصغر در فلکه کنونی نقل مکان کرد که بعداً این مغازه بزرگ به ترشی فروشی و سپس به سوپر شمشاد تبدیل شد و حالا پاساژ طلا فروشان شده است.

خلاصه ما وارد کافه شدیم، چهار نفر بودیم، مرحوم کمال طهماسبی و خدا بیامرز اکبر شمسایی، خودم و عبدالحسین ندیمی، دونفر دیگر هم که یکی رسول بابو و دیگری محمد رحیم دیسی بود و روز قبل باهامون بازی کرده بودند، نیامدند. کمال که دیروز وزیر شده بود و قرار شد حساب کنه، به طرف میزی که حیدرك پشتش نشسته بود رفت و آهسته بهش گفت: «چهار تا فالوده کوچك براмون بیار»، ولی او طبق عادتش با اشاره به میز ما با صدای بلند صدا زد: «آغا فرج چهار تا فالوده کوچیك برای چهار تا آدم بزرگ بیار»، که همگی ما زدیم زیر خنده.

مشغول خوردن فالوده بودیم که سر و صدایی از بیرون آمد، همگی به طرف درب دویدیم و دیدیم برابر قهوه خونه مسلم شلوغ شده و دو تا پاسبان اومدن پرس و جو می کنند و دنبال افرادی می گردند که بعداً مشخص شد فردی به نام «گمپلو» و دوستش «ماشو مسلسل» با چند مرد بالاسونی درگیر شدن و گمپلو با چاقو و ماشو مسلسل قوری چای داغ بلند کرده به سر یکی دیگه از آن‌ها زده و فرار کردند و پاسبانا دنبالشون می گردند، ولی چون کسی را پیدا نکردند، افراد کتك خورده با پاسبانان به طرف شهربانی رفتند، ما هم فالوده‌هامون رو تمام کردیم و به طرف برحه کازرونی حرکت کردیم، سر راه روبروی نانوایی اصغر دو نفر پهلوی دی جیجو (مادر خدیجه) کنار پیاده رو نشسته بودند و ضمن خوردن حلوای انگشت پیچ سرشار از روغن با نون، داشتند ماجرای دعوا را با آب و تاب بازگو و به حساب خودشان از زرنگی و فرزی گمپلو و ماشو مسلسل تعریف می کردند.

کمال با خنده گفت: بچه ها میدونین به ای دوتا چه میگن؟ گفتیم نه، گفت: او بُلندو سیش میگن «آزو»، او کُپلو هم سیش میگن «عیوِضو عقرب»، میفهمین سی چه؟ میگن از باسیدون تا برابر ششم بهمن با دست مثل عقرب رو کمه دریا رُو رفته.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

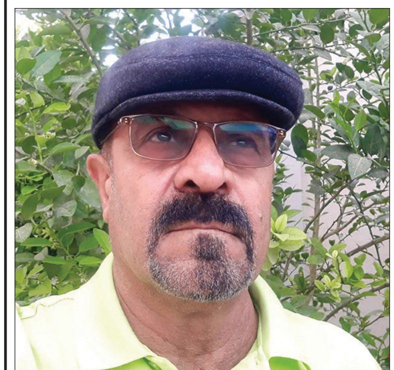
nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف‌پور
مدیر مسئول و سردبیر: دکتر یونس قیصی‌زاده
دبیر هئیت تحریریه: نسیم فقیه
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان





# زندانی شدن حسین رویین، فعال سیاسی در دشتستان



لیدنیوز: حسین رویین، فعال سیاسی اصلاح طلب و رزمنده دوران دفاع مقدس به زندان افتاد.

حسین رویین ۶۵ ساله که از بیماری‌های متعددی رنج می‌برد باید ده سال از عمر خود را در زندان بگذراند.

حسین رویین معلم بازنشسته دشتستانی و از سران جریان اصلاحات دشتستان که از بیماری‌های متعددی مثل اعصاب و روان، پروستات، قلب و ... رنج می‌برد روز هفتم آبان‌ماه همزمان با روز گرامیداشت کورش کبیر، برای گذراندن ده سال حبس به زندان برازجان رفت.

# پروژه فقیرسازی کارمندان و کارگران شتاب گرفت

کارگران در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۹۵، تا ۵۲درصد قدرت خرید خود را از دست دادند سهراب دل انگیزان،اقتصاددان:

اگر روند اقتصاد ایران از سال ۹۷ تا به الان را بررسی کنیم مشاهده می‌کنیم با وجود تورم سنگین، دستمزدها ترمیم نشده است.

در سال ۱۴۰۱ قیمت‌ها نسبت به سال ۱۳۹۵ به میزان ۴/۶ برابر افزایش یافته اما دستمزد کارگران تنها ۳ برابر شده است، حقوق کارکنان بخش دولتی هم ۴/۲ برابر شده که این به معنای شتاب گرفتن پروژه فقیرسازی کارگران و کارمندان است چراکه کارگران در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۳۹۵ تا ۵۲ درصد از قدرت خرید خود را از دست داده‌اند ضمن این‌که کارکنان دولتی هم ۶۱ درصد از قدرت خرید خود را نسبت به سال ۱۳۹۵ از دست داده‌اند. عملا خانوارهای طبقه متوسط به دره فقر سقوط کرده اند. تمام رفاهیات خانوارایرانی از بین رفته است؛ عمده منابع درآمدی صرف مسکن و خوراک می‌شود و بهداشت،آموزش و مسائل معنوی از سبد هزینه خانوارها به کلی حذف شده. به شکلی که حتی قدرت خرید پوشاک هم از بین رفته است./اقتصاد آنلاین

# دانشگاه خلیج‌فارس بوشهر با مشکل مالی روبرو است

رئیس دانشگاه خلیج فارس گفت: مشکلات مالی و هزینه‌های تورمی سرویس‌دهی امر آموزش و پژوهش را را در این دانشگاه با مشکل روبرو کرده است. محمد مدرسی گفت: عدم تخصیص کامل ماهانه اعتبار بودجه‌ای که از پایه ناچیز دیده شده در هفت ماه گذشته سال جاری معادلات این دانشگاه را با مشکلات عدیده‌ای روبرو کرده است.

دانشگاه خلیج فارس به شرکت‌های خدماتی بدهی قابل توجهی دارد که ممکن است باعث بروز مشکلاتی در ارایه خدمات دانشگاه شود.

در سوگ احمد علی شرفی پیشکسوت موسیقی جنوب ایران

# عندلیبان را چه شد!؟

حسام حق پرست



هزاردستان موسیقی جنوب حالا بر صفحه ی نُت های جاودانه ای که ساخت و نواخت آرمیده تا دوباره بنوازد و بخواند...

که صدای ساز استاد علیشرفی جهان را درازنای تاریخ نواخت و نوازش کرد!

علیشرفی و شرافتمندی سازها و آوازهای دیر و دور تاریخ و جغرافیایی کَه با خود به همه جای جهانَ به ارمغان بُرد بی‌آن‌که شرّ باشد؛شور پنجه های خیالی‌اش

اسطوره ها و افسانه ها را موسیقی متن شد و دیرینه‌ی ریتم های دِیره ها را کوباند؛مستانه و شورانگیز!

او دارد می نوازد...

او دارد می خواند...

و

گروهش را رهبری می کند...

# فرهنگیان بوشهر در نقش جهان

میراث فرهنگی باشکوه و آفریده‌های دلربای معماری پیشینیان ما همواره مردمان دلبسته به دیرینه‌های تاریخی این آب و خاک کهنسال را چنان به شوق آورده تا زبان به ستایش از هنرنمایی تام مهندسان زبردست و کارگران سخت‌کوش ایرانی بگشایند. فرهنگیان بازنشسته شهرستان بوشهر نیز بسان دیگر آفرینندگان و دوست داران فرهنگ و دانش به داشته های فرهنگی وطن و دستاوردهای تمدنی و هنری شگفت انگیز آن با دیده ارجمند می‌نگرند و بزرگی آن را پاس می‌دارند. در کادر این بینش فرخنده بود که ۸۵ نفر از فرهنگیان عضو کانون بازنشستگان آموزش و پرورش شهرستان بوشهر با دو دستگاه اتوبوس مسافربری میان شهری، روانه اصفهان و کاشان شدند تا با سرک کشیدن به ژرفای زمان با گذشته آن دو شهر دیدار کنند. در این گردشگری فرهنگی میمون که با سرپرستی هیئت مدیره کانون یاد شده (عالی بازدار، احمد سبحانیان، کرامت سیروسی و نعمت الله شیخ سقا) انجام شد؛ فرهنگیان بازنشسته عضو کانون بوشهر که بیشترین آن بانوان بودند از برخی ساخته‌های پیشینه دار اصفهان و کاشان که سرشار از زیبایی‌های هنری بود بازدید کردند. در اصفهان کلیسای "وانک" و موزه آن، میدان نقش جهان، مساجد درون آن میدان، ساختمان عالی قاپو، میدان عتیق و مسجد جامع و در کاشان حمام فین (جایی که میرزا تقی خان امیرکبیر به فرمان ناصرالدین شاه قاجار شهید شد) و خانه بروجردی‌ها از آثار معماری پر راز و رمزی بود که فرهنگیان گردشگر بوشهری در آنجا به تماشای پاره‌ای دلپذیر از گذشته تمدنی خجسته میهن باستانی خود نشستند. در این اردوی فرهنگی که یازدهمین اردوی برون استانی کانون از سال ۱۳۹۱ به این سو است. عبدالحسین کنین، مدرس جغرافیا، برای گروه درباره پیشینه ی جغرافیایی و ساختار معماری آثار پیش گفته روشنگری کرد. عبدالکریم مشایخی مدرس تاریخ نیز که مانند کنین از بازنشستگان دانشگاه فرهنگیان بوشهر است. در باغ فین دستاوردهای درون مرزی و برون مرزی همایون امیرکبیر در آیین کشورداری را برشمرد. این اردوی خاطره انگیز و شاد که جای اسکان شرکت کنندگان در آن، اردوگاه فرحبخش شهید بهشتی شهرک ابریشم اصفهان بود از بامداد چهارشنبه ۲۶ ماه فرخناک مهر آغاز و در شامگاه یکشنبه ۳۰ آن ماه پایان یافت. گفتنی است ناصر قاسمی - از فرهنگیان بوشهر- که با ابلاغ وزارت آموزش و پرورش مدیریت آن اردوگاه مجهز را به عهده دارد به فرهنگیان بازنشسته ی بوشهر به گرمی خوش آمد گفت و کوشید روزهای دل انگیزی را برای آنان در اردوگاه بیافریند.

(کمیته گردشگری کانون بازنشستگان آموزش وپرورش بوشهر)



# نشان‌های « نقره » بازی‌های «پاراآسیایی هانگژو» بر گردن ورزشکاران گناوه‌ای



رئیس اداره ورزش و جوانان گناوه گفت: «امیر خسروانی» و « سجاد نیک‌پرست» ۲ ورزشکار دوومیدانی کار رده نابینایان و کم بینایان تیم ملی جمهوری اسلامی ایران از شهرستان گناوه موفق به کسب نشان های «نقره» بازی‌های «پاراآسیایی هانگژو» چین شدند.

کاظم فتحی در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا اظهار کرد: «امیر خسروانی» در روز دوم مسابقات پارادوومیدانی بازی‌های آسیایی «هانگژو»، در پرش طول کلاس «T۱۲» رکورد ۷.۱۹ متر را به ثبت رساند و مقام نایب قهرمانی در این رشته را کسب کرد.

وی گفت: « سجاد نیک‌پرست» دیگر ورزشکار دوومیدانی کار رده نابینایان و کم بینایان تیم ملی از این شهرستان در پرتاب نیزه کلاس « F۱۳ » صاحب عنوان شد.

رئیس اداره ورزش و جوانان گناوه تصریح کرد: این ورزشکار با ثبت رکورد ۶۲.۹۲ متر نایب قهرمان این دوره از مسابقات شد.

کاروان ایران در این دوره از مسابقات تاکنون ۱۲ طلا، ۱۲ نقره و هشت برنز کسب کرده است.

شهرستان گناوه در شمال استان بوشهر واقع است.

امام جمعه عسلویه:

# ما در عسلویه آب سالم نداریم وزیر نفت خلف وعده کرد

هاشمی نژاد امام جمعه عسلویه در خطبه های نماز جمعه گفت: ما در عسلویه آب درستی نداریم آب سالم نداریم آقای وزیر نفت در جلسه شهریور سال ۱۴۰۱ به من گفتند مشکل آب عسلویه حل می شود.

این تاسیسات عظیم چرا مسئولیت‌های اجتماعی خود را انجام نمی‌دهند می‌گویند سازمان بازرسی اجازه نمی دهد به حوزه علمیه کمک کنیم برای آب مردم که سازمان بازرسی مانع نمی شود.

چرا فرمانداران جنوب استان درجلسه شورای راهبردی شرکت نکردند حق دارند شرکت نکنند چون شورای راهبردی فقط حرف می‌زنند عمل نیست.

در مقابل این مردم چه جوابی دارید مسئولی پشت تریبون می‌گوید هزینه و اعتبار هست مجری کار نیست.

برای یک کاری که یک میلیارد هزینه نیاز است ۱۰۰ میلیون می دهند این چه اعتباری است چه قدر برای شب یلدا هزینه می کنند مردم تشنه هستند!

@iran_times